

آموزش و پرورش رقابتی، برندگان کم، بازندگان بسیار

نویسنده:

دکتر محمد جمالی پور

انتشارات مشق شب

۱۴۰۲

سرشناسه : احمدی پور، محمد
عنوان و نام پدیدآور : آموزش و پرورش رقابتی، برندگان کم، بازندگان بسیار/نویسنده محمد احمدی پور.
مشخصات نشر : تهران: مشق شب،
مشخصات ظاهری : ۲۱۰ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۹۵ ۳

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : رقابت (روانشناسی) (Competition (Psychology)
ساختارگرایی (آموزش و پرورش)
Constructivism (Education)
روانشناسی یادگیری Learning, Psychology of
رفتارگرایی (Psychology) Behaviorism

رده بندی کنگره : ۳/LB۱۵۹۰
رده بندی دیویی : ۱۵۲۳/۳۷۰
شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۴۳۳۶۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



www.ketab.ir

ناشر: انتشارات مشق شب
نام کتاب: آموزش و پرورش رقابتی، برندگان کم، بازندگان بسیار
نویسنده: دکتر محمد احمدی پور
صفحه‌آرایی: سارا مقدم
نوبت چاپ: اول/ ۱۴۰۲ تهران
تیراژ: ۳۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۹۵-۳

ما را دنبال کنید:



www.mashgheshabpub.ir



@Sale_Mashgheshabpub



mashgheshabpub

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می‌باشد.
نشانی مرکز نشر و بخش: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس
ساختمان آنا تول فرانس (شماره ۳) واحد ۱۱
تلفن تماس: ۱۷-۶۶۹۶۲۵۱۶-۶۶۴۸۸۸۲۰
www.mashgheshabpub.ir

فهرست

مقدمه نویسنده	۷
پیشگفتار	۹
فصل ۱: رفتار گرای	۱۵
فصل ۲: معروف ترین روش ها و نظریه های شان	۲۹
فصل ۳: نقاط قوت، محدودیت ها و انتقادات بر رویکرد رفتار گرای	۵۱
فصل ۴: سیر تاریخی ظهور نظریه های یادگیری و رفتار گرای	۵۵
فصل ۵: معرفی نظریات برخی از صاحب نظران دیدگاه فراشناختی	۸۱
فصل ۶: معرفی مکتب ساختن گرایی و تشریح نظریه یادگیری پیازه	۱۱۱
فصل ۷: تاثیر نظریه رشد شناختی پیازه بر اندیشه ساختن گرایان	۱۵۹
فصل ۸: یادگیری از نگاه پیشگامان مکتب ساختن گرایی	۱۶۵

فصل ۹: سطوح یادگیری در طبقه بندی بلوم	۱۷۱
فصل ۱۰: رقابت در کلاس و تحلیل نقش‌های مثبت و منفی آن در میان دانش‌آموزان	۱۷۹
فصل ۱۱: مزیت‌های استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی در کلاس درس	۱۹۷
فصل ۱۲: بحث و نتیجه‌گیری	۲۰۳
منابع و مأخذ	۲۰۸

www.ketab.ir

۱. مقدمه نویسنده:

ورود رقابت گرایی در آموزش و پرورش ایران به صورت سیستماتیک و علمی با ظهور فلسفه رفتارگرایی در غرب همراه است، بنابر این برای شناخت و بررسی پیشینه ورود رقابت گرایی در آموزش و پرورش ایران می‌بایست در گام نخست نسبت به شناخت اصول و مبانی فکری رفتارگرایان در غرب بپردازیم. سپس با معرفی و تحلیل نظریه‌های یادگیری جدیدتر و بررسی سیر تاریخی و تکاملی این نظریه‌ها، با مشخص کردن بازتاب‌های این رویکردها در آموزش و پرورش ایران نسبت به شناسایی آثار سوء آن بر نظام تعلیم و تربیت کشور و تصحیح آن اقدام نماییم.

با نگارش این کتاب، بر آن شدم که ضمن شرح و تفصیل موضوع رقابت گرایی در آموزش و پرورش ایران به نقد و تحلیل این رویکرد آموزشی و روشن نمودن زوایای پنهان این شیوه تربیتی و اثرات مخربی که بر روی روح و روان دانش‌آموزان بر جای خواهد گذاشت بپردازم تا شاید بتوانم قدمی هر چند محدود و ناچیز برای اعتلای نظام آموزشی ایران در حد بضاعت و توان بردارم.

محمد احمدی پور

زمستان ۱۴۰۲

۲. پیش گفتار

محققان به تازگی دریافته‌اند که تفاوت‌های افراد در یادگیری، فقط ناشی از هوش و توانایی‌های آن‌ها نیست، بلکه عوامل دیگری از جمله ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی افراد، مشکل بودن تکالیف محوله و سبک‌های متفاوت یادگیری می‌تواند تأثیر به سبب در یادگیری افراد داشته باشد. از میان این عوامل، سبک‌های یادگیری نقش بسیار مهمی در اهمیت‌تری بر فرآیند یادگیری داشته و می‌تواند نقش خیلی موثری بر میزان یادگیری افراد داشته باشد.

سبک‌های یادگیری در واقع روش‌هایی هستند که افراد بر اساس آن‌ها اطلاعات و تجربیات تازه را در ذهن خود سازماندهی و پردازش می‌کنند تا بتوانند مشکلات و مسائل پیش روی خود را حل نمایند. بر این اساس، محققان استفاده از شیوه‌های مناسب آموزشی جهت ارائه مطالب به افراد مختلف با سبک‌های یادگیری متفاوت را یکی از الزامات اجتناب ناپذیر بهبود یادگیری دانسته و در پژوهش‌های فراوانی به این مهم اشاره نموده‌اند، چرا که معتقدند تناسب شیوه تدریس معلمین با سبک یادگیری دانش‌آموزان باعث تقویت انگیزه یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود.

اکثر مردم و بسیاری از معلمین، یادگیری را «کسب اطلاعات، معلومات یا

مهارت‌های خاص «می‌دانند. عده‌ای دیگر آن را «انتقال مفاهیم علمی از فردی به فرد دیگر» تلقی می‌کنند. در چنین برداشتی از یادگیری، ذهن شاگرد به منزله انبار یا مخزنی خالی تصور می‌شود که باید توسط معلومات و دانش‌های معلمین پر گردد. این نوع یادگیری، معلم محور است. او علاوه بر آن که مفاهیم علمی را به شاگردان اطلاع می‌دهد نقش انبار اطلاعات یا کوه معلومات را هم بازی می‌کند. اما در این میان شاگردان چندان فعالیتی از خود بروز نمی‌دهند و بیشتر حالت پذیرندگی و انفعالی دارند. تنها وظیفه شاگردان، گوش دادن به سخنان معلم و به خاطر سپردن مطالب درسی است و در این میان بهترین فراگیران کسانی هستند که نقش یک ضبط صوت را به خوبی ایفا کرده و مطالب معلم را دقیق‌تر و عمیق‌تر حفظ و ضبط نمایند.

مشکل عمده این نوع یادگیری این است که یادگیری از راه حفظ و تکرار، موجب یادگیری معنا دار نمی‌شود و مطالب علمی اغلب برای فراگیران نامفهوم باقی می‌ماند، زیرا ارتباط و تناسبی با تجارب زندگی واقعی یا آموخته‌های قبلی آنان ندارد در این نوع یادگیری اصولاً به نیازها و رغبت‌های شاگردان توجه نمی‌شود و خلاقیت آنان به کلی نادیده گرفته شده و پس از گذشت زمان به کلی از بین می‌رود. در این کتاب سعی ما بر این است که ابتدا یادگیری را در بستر تاریخی خود بررسی نموده و با سیر پیشرفت نظریه‌های یادگیری و مقایسه تطبیقی آن‌ها با یکدیگر مزیت روش‌های مدرن یادگیری، نسبت به روش‌های سنتی را به خوانندگان، گوشزد نماییم.

هر گاه با دقت نظر و جستجوی دقیق به آموزش و پرورش مدرن و پیشرو در عصر حاضر نظر بیفکنیم، در می‌یابیم که در کشورهای توسعه یافته و صاحب

سبک در زمینه تعلیم و تربیت که نظام آموزشی آن‌ها با معیار استفاده از خرد جمعی و فاصله گرفتن از فرد گرایی و فرد محوری شکل یافته است، روش‌های آموزش و پرورش رقابتی که محوریت آن بر پایه یافته‌های نظریه رفتار گرایی بنا شده، به مرور زمان جای خود را به شیوه‌های آموزش و پرورش مشارکتی و رفاقتی داده است. اشکال بزرگ آموزش و پرورش رقابتی^۱ این است که در این نوع نظام آموزشی برندگان کم و بازندگان بسیار تولید می‌شوند که این امر به نوعی هدر رفتن سرمایه‌های آموزشی و محروم شدن جامعه از توان علمی جمع بسیاری از جوانان با نشاط و خلاق و با انگیزه خواهد بود و نتیجه‌ای جز سرخوردگی و بی‌انگیزگی نسل جوان برای پیشرفت و تحول آفرینی نخواهد داشت که بازندگان این سیستم تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند. بازندگان نظام آموزشی رقابتی در وهله اول اعتماد به نفس و خود باوری خود را از دست داده و خود را در رقابت با سایر اعضای گروه سنی که در آن قرار دارند ناتوان و مستاصل می‌بینند. و کیست که باور نداشته باشد که در صورت پیش رفتن خود باوری و اعتماد به نفس در وجود فراگیران، آن‌ها دیگر اندوخته و انگیزه‌ای برای ادامه کار و تلاش خود نخواهند داشت.

ایجاد رقابت در میان دانش‌آموزان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر موجب برانگیختگی حس حسادت در میان هم‌سالان و ایجاد احساس حقارت و در نتیجه تضعیف عزت نفس و شوق یادگیری در فراگیران خواهد شد و زمانی که این نوع رقابت با تشویق و پاداش برندگان همراه گردد آثار منفی و زیان بار آن بیش از پیش نمایان خواهد گشت.

اصولاً پایه‌های آموزش و پرورش رقابتی بر اصل حس حسادت و برتری جویی که در نهاد نوع بشر با میزان و شدت‌های متفاوت وجود دارد بنا شده است و این نوع نظام تربیتی سعی در برجسته نمودن و بزرگ نمایی آن دارد و به وضوح می‌توان دریافت، بنایی که ستون و پایه‌های آن بر اصلی بنیاد نهاده شده که اصولاً مذموم و ناپسند است، هر چند ظاهرش به نقش و رنگ و لعاب فراوان، زیبا نشان داده شود از درون سست و متزلزل خواهد بود.

در نظام‌های آموزشی پیشرو و فراگیر محور و مشارکتی سعی شده کلیه یادگیرندگان در محیطی به دور از اضطراب و تنش با سایر هم سن و سالان خود به دانش اندوزی بپردازند و یادگیری در محیطی سرشار از احترام به ارزش‌های انسانی که با احترام به تناسبت کلیه فراگیران و قبول تفاوت‌های فردی آن‌ها شکل می‌گیرد، ظهور و تمیز می‌کند. این نوع نظام‌های تعلیم و تربیت اراده خود را بر آن معطوف داشته‌اند که رقابت بی‌فایده را به رقابت درونی و نوعی رفاقت تبدیل کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد یادگیری مشارکتی اگر این زمینه بسیار تأثیر گذار بوده است. کار گروهی، همفکری و مشورت دانش‌آموزان با یکدیگر، ارتباط نزدیک معلم با شاگردان و تغییر نقش او به عنوان راهنما و تسهیل کننده یادگیری و احساس مسئولیت فردی و گروهی فراگیران از ویژگی‌های مهم یادگیری مشارکتی هستند.

این نوع یادگیری علاوه بر تقویت روابط عاطفی، سبب رشد مهارت‌های کلامی، پرورش حس مسئولیت اجتماعی، رشد مهارت‌های ارتباطی و فکری،

افزایش موفقیت تحصیلی، بالا رفتن عزت نفس و خودباوری دانش آموزان، حضور با نشاط و انگیزه فراگیران در مدرسه و ... تأثیر فراوانی دارد. ایجاد رویکرد صحیح آموزش و پرورش مشارکتی مستلزم همکاری تمام ارکان تعلیم و تربیت از جمله اولیاء، مربیان، دانش آموزان و کارشناسان نظام تربیتی می باشد.

سؤال اصلی این است: چرا بیشتر دانش آموزان رفتن به مدارس که با شیوه آموزش و پرورش رقابتی اداره می شوند را دوست ندارند؟ دلیل آن را می توان این طور بیان کرد که چون دانش آموزان، قرار است به محیطی وارد شوند که به احتمال زیاد جزء بازندگان آن محسوب می شوند. آن ها قرار است در این محیط دائماً با کسانی که در ظاهر توانایی های بیشتری از خود نشان می دهند مقایسه شده و مورد تحقیر و تخریب واقع شوند و البته که هیچ انسانی مایل نیست با پای خود به محیطی وارد شود که در آن توانایی هایش را به رخ او می کشند و وی را به سبب این ناتوانی ها دائماً مورد نکویش و پرورش قرار می دهند.

در عوض در محیط هایی که فراگیران با شیوه مستلزم آموزش می بینند، دانش آموز هر روز به محیطی وارد می شود که از سوی گروه همسال و مربیان مورد تشویق و تحسین قرار می گیرد، کسی ناتوانی هایش را مورد تحقیر و تمسخر قرار نمی دهد و تک تک افراد گروه، توانایی هایشان را در خدمت جمع قرار می دهند، آن ها سعی می کنند با کمک و راهنمایی به یکدیگر و بهره گیری از مشورت مربیان، راه های درست را انتخاب کرده و در کنار جمع و به صورت گروهی این راه ها را پیمایند. همه افراد گروه خود را موظف می دانند که به کمک و راهنمایی کسانی که در پویش این راه، گهگاه دچار مشکل و لغزش می شوند راهنمایی و کمک رسانی کنند و اعضای گروه، موفقیت گروه و جمع

خود را موفقیت تک تک اعضا تلقی کرده و آن را متعلق به خود می‌دانند و فرد، سرنوشت خود را از سرنوشت دیگران جدا نمی‌داند. البته که ورود به چنین محیط گرم و صمیمی که مفهوم برنده و بازنده بودن در آن رنگ باخته و نظام سلسله مراتبی آموزش در آن از میان رفته است و همگان در تلاش‌اند تا جمعشان به موفقیت و کامیابی نائل آید و روابط عاطفی بین اعضای گروه دوستانه و صمیمانه است و فرد، بدون گروه از هیچ اصالتی برخوردار نیست، برای هر دانش‌آموزی جذاب و دوست داشتنی و با خلق و خوی اجتماعی انسان کاملاً سازگار و هماهنگ است.

www.ketab.ir